

# نوشتارِ کیسوم | Kisum ø xøt

آنچه باید پیش از هر چیزی گفت این است که تصمیم و تلاش برای تدوین چارچوب نگارش گیلکی به یاری حروف لاتین، نشانه‌ی هرچه که باشد، بی‌شک نشانه‌ی بیگانه‌دوستی و بی‌مهری به وطن نیست. چرا که اندیشه‌ی پرداختن به زبان‌های بومی و قومی از اساس با فرنگی‌مآبی و «عشقِ خارج» بودن در تضاد است. بنابراین از خواننده‌ی این متن انتظار داریم که به دور از انگ‌ها و برچسب‌های احتمالی و بر اساس ضرورت‌ها و نیازهای معاصر زبان و ادبیات گیلکی که سالیان سال در منابع مکتوب و غیرمکتوب بسیار به بحث و بررسی گذاشته شده، این طرح را بررسی کند و فراموش نکند که تدوین‌کنندگان این طرح نیز خود را ایرانی و زبان و قوم خود را بخشی از مجموعه‌ی رنگارنگ و گسترده‌ی ایران می‌دانند و بر آنند که وحدت ملی و سرزمینی ایران با بارور شدن یک-یک فرهنگ‌ها و زبان‌های درون آن هرگز تهدید نخواهد شد اگر، حق شهروندی هر ایرانی با هر زبان و دین و قوم و فرهنگی، به عنوان یک ایرانی از سوی دولت و مردم به رسمیت شناخته شود؛ آن‌گونه که هر ایرانی در هر گوشه‌ی این سرزمین خود را آزاد در انتخاب شیوه‌ی زندگی و برابر از نظر موقعیت‌های زیستی و رفاهی و حقوقی و صاحب احترام و کرامت انسانی بداند. آن‌گاه دیگر مهم نیست که این مردم به چند زبان و با چند شیوه‌ی نگارش می‌نویسند و می‌خوانند. زیرا همه می‌دانیم که کشورهای توسعه‌یافته و مدرنی وجود دارند که حتی «زبان رسمی»شان بیش از یک زبان است و هرگز نگران از هم گسیختن خویش نیستند و تازه یک بیستم تاریخ سرزمین ایران را هم ندارند.

- این آیین‌نامه قصد دارد تا به نویسنده‌ی گیلکی، چارچوبی برای نگارش با الفبای لاتین پیشنهاد دهد. باور ما بر این است که این الفبا و آیین‌نامه‌ی مربوط به آن برای برآورده کردن این نیازها طراحی شده:
- هم‌گام کردن زبان گیلکی با تکنولوژی (به ویژه اینترنت) و شرایط جهانی
  - به حداقل رساندن علامت‌ها و نشانه‌های بیرون از خط زمینه
  - به حداقل رساندن تفاوت لهجه‌های زبان گیلکی در ساحت نوشتار تا حد ممکن (این مهم‌ترین هدف ما بوده و اغلب اصول تدوین شده در همین جهت است)
  - قائل شدن تفاوت میان یک الفبای کاربردی برای نگارش و الفبای علمی برای نمایش همه‌ی جزئیات آوایی و ثبت علمی زبان. هدف ما اولی بوده و می‌دانیم که دومی به عهده‌ی الفبای جهانی آوانگار (فونوتیک) است.
  - رعایت ضوابط و هنجارهای جهانی الفبای لاتین
  - حفظ امکان‌های نوشتاری در تولید واژه‌های نو و توان خط در تمایزگذاری‌های صرفی و نحوی.

بنابراین از خواننده انتظار داریم که این آیین‌نامه را به توجه به این هدف‌ها نقد و بررسی کنند.

# Giloki alifbi

حروف بزرگ و کوچک		نام حروف به همراه آوانویسی	صورت نوشتاری حروف در زبان انگلیسی	IPA	مثال های گیلکی با ترجمه فارسی	Some examples in english and persian languages. معادل های انگلیسی و فارسی
A	a	alif [ali:f]	a	[a] & [ā]	aftö nišast غرب azmit آزمایش aždum بسیار شور arsu اشک agent آژانس ardal گردن کلفت	<u>abandon</u> آ
B	b	bi[bi:]	b	[b]	bibi کرم ابریشم bej برنج balu سلاح bulu کج بیل baxtabər خوشبخت	<u>boy</u> ب
C	c	chi[çi:]	Ch	[tʃ]	cicini گنجشک cəc خزه cucar مارمولک cical ولرم	<u>champion</u> چ
D	d	di[di:]	d	[d]	dim صورت damon جنگل dəz چربی dəgəra تلو تلو durək بپر	<u>dog</u> د
E	e	e [ɛ]	e	[ɛ]	erə اینجا eškor خُرده برنج evabde ندید بدید ema بعد، پس از آن	<u>red</u> ر
Ə	ə	oktə E [oktə ɛ]. Ita uxan A & E miyan	[Another e] a sound between A & E	[æ]	tələ خروس kələ اجاق füerə جوجه تیغی perə موج	<u>cat</u> معادل فارسی ندارد صدایی بین آ و ا
F	f	Fi [fi:]	f	[f]	futurk حمله fətə سفته fander نگاه faytun درشکه furš ماسه	<u>far</u> ف
G	g	Gi [gi:]	g	[g]	geyše عروس gart کارت gaz دندان gantur دفتر کار و تجارت	<u>good</u> گ

					gulaz افتخار	
H	h	Hi [hi:]	h	[h]	hacin بيهوده hamišeg همیشه hil گشنيز haray بانگ شادی	<u>hot</u> ه - ح
I	i	I [i:]	i	[i:]	ištō (ištav) تذکر iskiti سکسکه isub يوسف iljar پاور	<u>see</u> ای
J	j	Ji [dʒi:]	j	[dʒ]	jija زخم jul گونه، لپ jisk راز jir زیر jor بالا	<u>joy</u> ج
K	k	Ki [ki:]	k	[k]	kilsayō شمال kələj کلاغ kute توله kule بره keškešon کهکشان	<u>cat</u> ک
L	l	Li [li:]	l	[l]	lima غروب lasman ناخدا liska لوس lavur لنگر	<u>love</u> ل
M	m	Mi [mi:]	m	[m]	mar مادر mašəl خاله məndəla افقی mala ملوان miskiti آدامس mirom زنگار	<u>man</u> م
N	n	Ni [ni:]	n	[n]	nəsa (nəsum) جنوب namuj ناشی nek چانه nektal سقف دهان nejaq سیخونک	<u>nice</u> ن
O	o	O [o]	o	[o]	orə آنجا oya آنجا oraq یک نوع داس oxišim خوشم باشد olgə ملک	<u>more</u> و م
Ö	ö	Okte O [oktæ o]	Ow [Another o]	[ow]	ö آب ölaku لاکپشت öle آبله ötök تهیگاه-پهلو	<u>Show</u> معادل فارسی ندارد
P	p		P		per پدر	<u>pen</u>

		Pi [pi:]		[p]	picə pu pablus	گربه بهمن سیگار	پ
Q	q	Ghi [ɣi:]	gh	[ɣ]	qəzənj qayna qardun qapas	پس انداز قانع مقوا توسری	- غ-ق
R	r	Ri [ri:]	r	[r]	rütə rəvaj ruga rat rub	روده گیاه بارهنگ گذرگاه آبی صاف زنبور قرمز، رُب	<i>rat</i> ر
S	s	Si [si:]	s	[s]	sutal suk suska sumbur siftal	فقیر عمود سنجاق مو زالو زنبور	<i>song</i> س-ث-ص
Š	š	Shi [ʃi:]	sh	[ʃ]	šuk šukul šəng šəlman	اردک ماهی سنجاب سگ آبی تیر چراغ برق	<i>show</i> ش
T	t	Ti [ti:]	t	[t]	tasion tuška titi tül	نوستالوژی اندوه گِره شکوفه تار، کدر	<i>teen</i> ت، ط
U	u	U [u]	oo	[u]	uxan urus urušvarə ur uqur	پژواک روس عزا، مویه نُرد شگون	<i>bull</i> او
Ü	ü	oktə U [oktæ y] I ta uxan I & u miyan .xodi ü 'Büyük 'ə turki važ ə miyan	[Anothe r u] a sound between I & U. As ü in Büyük (Turkish word)	[y]	üjrə lük sütün büz xün	چیز سوراخ ستون پاشنه پا خون	<i>clue</i> معادل فارسی ندارد صدایی بین ای و او
					verif	حیله، نیرنگ	<i>wayer</i>

V	v	Vi [vi:]	v	[v]	vašək شاهین vinjə سقز vušum بلدرچین vaš گیاه، علف vərg گرگ	و
X	x	Khi [xi:]	kh	[x]	xurason شرق xaš استخوان xəršə فرنی xoni چشمه	loch خ
Y	y	Ye [jɛ]	y	[j]	yalmənd رنگین کمان yaya یحیی yonza یازده yuha اژدها	yes ی
Z	z	Zi [zi:]	z	[z]	zəhar فریاد استمداد zərbanuka قائم zəm گرمی zəng زلال، شفاف zəngələ گراز	zigzag ز - ض - ظ - ذ
Ž	ž	Zhi [ʒi:]	zh	[ʒ]	žəgələ جیغ žumbur پوست سبز گردو živir داد، فریاد žəngal بزغاله	déjà vu ژ

۱/ «اؤکته ا» (Ö و ö) در جاهایی کاربرد دارد که در شرق گیلان ow و در غرب ab تلفظ می‌شود. واژه‌هایی چون xö (خو|خاب)، aftö (افتو|أفتاب)، šö (شو|شب) و... مگر موارد استثنایی که در آینده می‌توان مشخص کرد.

۲/ ترتیب حروف الفبای گیلکی بر اساس ترتیب حروف لاتین چیده شده (به دلیل استفاده از حروف لاتین و در نتیجه رعایت روال معمول جهانی این الفبا) و برای نامیدن حروف این الفبا روشی ابتکاری بر اساس آنچه که محمود پاینده لنگرودی در فرهنگ خود ثبت کرده پیشنهاد شده است که در جدول آمده. منظور از ابتکار، حذف نام عربی حروف و بسط نام‌گذاری بر اساس الگوهای زبان گیلکی است.

۳/ برای نمایش همی نقش‌نماهای اضافه در ترکیب‌های اضافی و وصفی و ملکی و... که واژه‌ی نخست به حرفی بی‌صدا ختم می‌شود؛ حتی اگر نقش‌نمای مذکور آوای /æ/ نداشته باشد، از حرف «اؤکته ا» (θ) استفاده می‌شود و پیش و پس از آن فاصله گذاشته می‌شود.  
مانند:

پژواک مردم) mərđum ə uxan, (لیوان ابراهیم) ibrəm ə öxuri, (برگ قرمز) surx ə vølg

۴ / علامت مفعولی و یا نشانه‌ی فعل «ایسن» را که اغلب در انتهای واژه به صورت a یا e یا ə می‌آید، با (') از اصل واژه جدا می‌کنیم تا استقلال این دو واژه از هم حفظ شود. مانند:

خانه‌ام را ببین | mi xanə'ya bidin

دستت را بشور | ti dəs'e bušor

این مسیر توست | an ti ramətə'ye

این کتاب را بردار | a kitab'a usan

جانم را گرفت | mi jon'e bəytə

این جا رشت است | Ayə Rəšt'e

در چنین حالت‌هایی، حتی اگر با اضافه شدن علامت مفعولی یا فعل ایسن طرز خواندن واژه در انتها تغییر کند، به کمک علامت (') صورت اصلی واژه حفظ می‌شود. مانند:

(خانه را) xonə'a : (علامت مفعولی) a + (خانه) xonə

۵ / در همگی افعالی که به «e» یا «æ» ختم می‌شوند، در نگارش به ə ختم خواهند شد.

xordədərə, zədərə, bəxorde, bəzə, bardə

۶ / اسم مفعول‌ها و نیز اسم فاعل‌هایی که به «e» یا «æ» ختم می‌شوند، در نگارش به e ختم خواهند شد. مانند:

fušonde, ranənde, bəxorde, bəštose

۷ / فعل‌های استمراری متصل به هم نوشته می‌شوند تا صورت یک فعل واحد را پیدا کنند:

xordədərəm, šodəri, amadərəbu

۸ / قیدهایی که با کمک مصدر dəbon یا مانند آن ساخته می‌شود، با یک علامت (') به صورت زیر از ترکیب‌های فعلی متمایز می‌شوند:

(در حال خواندن) xandə'dəbo

(در حال مردن) mərdə'dəbo

۹ / فعل‌های ترکیبی که ب پیشوند فعل به آوای میانجی (اغلب: a) تبدیل می‌شود، با یکجانبی فعل، صورت واحدی به فعل می‌دهیم. مانند:

joragiftən (بالا گرفتن و بلند کردن), jirakošen (به زیر کشیدن. دانلود کردن در اینترنت),

pəsadən (پس دادن), gəradi (بغلتن. شتاب بده), joraytən (بلند کردن و بالا بردن)

۱۰ / در واژه‌هایی که از تکرار یک واژه معنا می‌یابند از (-) استفاده می‌شود. مانند:

kəm-kəm, xor-xor, təkəs-təkəs, rijə-rijə

**سخن آخر:** این متن و این قاعده‌ها پس از بحث‌ها و بررسی‌های چندین ماهه برای تدوین نخستین آیین‌نامه‌ی نگارش گیلکی با الفبای لاتین به جامعه‌ی گیلکی‌نویس پیشنهاد می‌شود و دلیل نام‌گذاری این نوشتار به «کیسوم خط» هم این است که عمده‌ی جلسه‌های نهایی تدوین این آیین‌نامه، در نزدیکی این روستا برگزار می‌شده است.

کیسوم/ ورفن ما ۱۵۸۵  
بهرام کریمی – امین حسن‌پور